

ارائه مدل موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران

محمود گودرزی^۱

گلرخ عیوضی کلش^۲

ابراهیم علی دوست قهفرخی^۳

امین دهقان قهفرخی^۴



10.22034/ssvs.2022.2283.2639

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱/۲۷

هدف از انجام تحقیق حاضر، تبیین مدل موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران بود. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه مدیران و کارکنان وزارت ورزش و جوانان، اساتید و دانشجویان دکتری رشته مدیریت ورزشی، مربیان و داوران بین‌المللی و ورزشکاران حرفه‌ای بود. نمونه‌گیری در بخش کیفی به صورت هدفمند بود که تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و در بخش کمی به صورت در دسترس انجام شد و بر اساس منابع معتبر که به ازای هر سوال ۵ تا ۱۰ نفر نمونه توصیه می‌شود، ۳۹۴ نفر از افراد جامعه به صورت آنلاین در تکمیل پرسش‌نامه مشارکت داشتند. نحوه گردآوری اطلاعات به صورت میدانی و به‌طور مشخص مبتنی بر مدل معادلات ساختاری بود که با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ و نرم‌افزار LISREL نسخه ۸/۸ صورت گرفت. ابزار تحقیق شامل پرسش‌نامه محقق ساخته‌ای بود که پس از تایید روایی صوری و روایی سازه ($KMO=0/91$) و نتیجه آزمون بارتلت ($\chi^2=2010/7/1, p=0/0001$) مورد استفاده قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی از طریق تحلیل مؤلفه‌های اصلی و تحلیل موازی نشان داد که موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران حاوی هفت عامل بود. نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم با نرم‌افزار لیزرل نیز نشان داد، همه بارهای عاملی از قدرت تبیین خوبی برخوردار هستند و عامل‌های برنامه‌ریزی و سازماندهی؛ منابع مالی و بازاریابی؛ امکانات و تجهیزات؛ قوانین و مقررات؛ منابع انسانی؛ نظارت و کنترل و عامل اطلاع‌رسانی به عنوان موانع ساختاری شناسایی شده‌اند. لذا پیشنهاد می‌شود مسئولان با جلب مشارکت همگانی برای ایجاد تحول جایگاه زنان در ورزش ایران، به تدوین برنامه‌های اجرایی توسعه‌ای و نظام‌مند نمودن ساختار پردازند و رویکردهای بنیادی و زیر ساختی سایر جوامع را مدنظر قرار دهند.

واژگان کلیدی: موانع ساختاری، ورزش زنان، جایگاه زنان و سقف شیشه‌ای.

^۱ استاد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۲ دکتری مدیریت ورزش، دانشکده پردیس البرز، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Eyvazi1400@gmail.com

^۳ استاد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۴ دانشیار، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

اینکه زنان بیش از نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند، یک واقعیت است- درحالی‌که عموماً به حاشیه رانده شده‌اند. حتی هانا آرنه^۱ (فیلسوف و تاریخ‌نگار آلمانی- آمریکایی) به‌این نتیجه رسید که «در جامعه مدرن، زنان بزرگترین اقلیت هستند». البته در حوزه حقوق (به‌معنای ذهنی و عینی مفهوم) زنان از قرن بیستم در اصل به وضعیت برابر با مردان رسیده‌اند، اما تا قرن بیست و یکم بین حق رسمی و واقعی آنها اختلاف قابل توجهی وجود داشته است. حق کار زن در سطوح سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی و همچنین در هر فعالیت حرفه‌ای معین، بدون توجه به برابری تضمین‌شده رسمی و قانونی، محدود شده و اساساً در مورد مشارکت جنسیتی، کمتر دارای نماینده در موقعیت- های تصمیم‌گیری هستند. پس ورزش پدیده‌ای است که می‌تواند برای این گروه راه خروجی از حاشیه به متن جامعه باشد(تورلک، نادا، تورلک، پتر^۲، ۲۰۱۶: ۱).

به‌طور سنتی، ورزش از نظر مشارکت و حکمرانی تحت سلطه مردان است. این مهم از محرومیت حضور زنان در اولین بازی‌های مدرن المپیک که در سال ۱۸۹۶ در آتن برگزار شد، مشهود بوده است. دختران و زنان در سراسر کشورهای جهان همچنان فرصت‌های کمتری از نظر سرمایه‌گذاری، آموزش و مشارکت ورزشی دارند. البته امروزه، مشارکت زنان در ساختارهای حاکمیت ورزشی اندکی بهبود یافته است. به عنوان مثال، ۳۳ نفر از مجموع ۱۴۴ عضو افتخاری کمیته بین‌المللی المپیک زن هستند. به‌علاوه کمتر از ۲۰ درصد از اعضای ساختارهای حاکمیتی وابسته به آن نیز زن هستند، درحالی‌که در سال ۲۰۱۵ تنها ۱۴ درصد کرسی‌های تصمیم‌گیری در فدراسیون‌های ورزشی اروپا توسط زنان اشغال شده بودند. علی‌رغم این واقعیت که تعداد زنان فعال درگیر در ورزش در طی ۵۰ سال گذشته به‌طرز چشمگیری افزایش یافته‌است، تقریباً در تمام سطوح عملکردی همه ورزش‌ها، زنان یک اقلیت آماری محسوب می‌شوند(کاتساروا^۳، ۲۰۱۹: ۱).

در بسیاری از کشورهای جهان به دلایل مختلف فرهنگی، اجتماعی و ساختاری که به تبعیض بین مربیان و ورزشکاران مرد و زن منجر شده، فرصت‌ها و دسترسی زنان محدود است. بنابراین با توجه به نقش نیروی انسانی زن در توسعه ورزش، توجه به مشکلات آنان در این زمینه الزامی است (تلول^۴، ۲۰۰۸: ۹). در ایران نیز با توجه به جمعیت کثیر زنان کشور، آنها در ورزش در سطوح ملی و بین‌المللی نقش بسیار مهمی دارند؛ به‌طوری‌که بی‌توجهی به این موضوع و نداشتن برنامه‌های مدون و عدم سازماندهی مناسب آثار نامطلوبی بر پیکره ورزش و نیروهای انسانی مرتبط با آن، به‌ویژه مربیان و ورزشکاران زن بر جا خواهد گذاشت. پس بررسی مشکلات در جلوگیری از نارضایتی، تغییر محیط کار و میزان مسئولیت‌پذیری دست‌اندرکاران نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (خسروی‌زاده، الهی، بهرامی، حقدادی و نستوهی، ۱۳۹۲: ۴).

¹ Hannah Arendt

² Torlak, Nada & Torlak, Petar

³ Katsarova

⁴ Thelwell

ارائه مدل موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران

اشکال مختلف تبعیض در ورزش زنان در جهان و ایران از نابرابری دستمزدها، نابرابری امکانات در دسترس ورزشی برای ارتقای زنان ورزشکار، عدم پوشش رسانه‌ای ورزش بانوان، حضور کمتر مسئولان زن در ارگان‌های ورزشی، اختصاص درصد پایین بودجه ورزش به بانوان گرفته تا وجود قوانینی که به مردان خانواده از جمله پدر و همسر این اجازه را می‌دهد که زنانشان را از انجام فعالیت‌های ورزشی با این توجیه که «ورزش متعلق به مردان است»، حذف کنند و عدم اجازه به زنان برای حضور در بسیاری از رشته‌های ورزشی به بهانه مغایرت با موازین شرعی می‌باشند. در این میان، نقش‌های جنسیتی تعریف‌شده در جامعه برای زنان نیز یکی از مواردی است که آنان را از حق برخورداری و مشارکت در امور ورزشی باز می‌دارد (طالب‌پور، نظری‌آزاد و کاشانی، ۱۳۹۸: ۴). بنابراین با در نظر گرفتن اینکه ورزش زنان در ایران با تنگناهای متعددی همچون کمبود بودجه، امکانات اندک، فضاهای ورزشی محدود، کمبود مربی و نیروی انسانی روبه‌روست و وجود برخی از موانع ساختاری در زمینه و متن اجتماعی همچون گرایش‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که محدودیت زنان برای دسترسی به این امکانات را مضاعف می‌کند، اهمیت موضوع بررسی موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران در تمام عرصه‌های ورزشی حائز توجه است. در حالی که روز به روز بر جمعیت زنان ورزشکار افزوده می‌شود، اما کمبود امکانات و همین‌طور مسئله انطباق با فرهنگ و ایدئولوژی حاکم بر جامعه اسلامی با تأمین نیازهای ورزشی جامعه زنان، دشواری‌های بسیاری را در مقابل سازمان ورزش کشور و بانوان ورزشکار قرار داده است. سهم زنان برای رقابت‌های ملی و بین‌المللی نیز بر همین سیاق محدودیت می‌یابد. به همین دلیل در صورت شرکت در رقابت‌های برون مرزی نتایج مطلوب و درخور توجهی به دست نمی‌آورند. این ضعف و کاستی‌ها در قلمرو ورزش بانوان، تنزل رتبه ایران در رقابت‌های بین‌المللی را در پی دارد و برای کسب نتایج مطلوب، فشار مضاعفی را بر ورزشکاران مرد وارد می‌کند. لذا از محل نابرابری در توزیع امکانات بین دو جنس، هر دو طرف متضرر می‌شوند. در این بخش می‌توان به پژوهش‌های داخلی چون مطالعات اسدی، تجاری و نیک‌آیین (۱۴۰۰) اشاره کرد که در بررسی وضع قوانین مرتبط با فعالیت‌های ورزشی زنان ایران با مشکل جدی روبه‌رو نیستیم، ولی در اجرای قوانین به سبب کمبود ضمانت اجرایی، ناکارآمدی مشاهده می‌شود که حتی وضع قوانین جدید و به نفع زنان نیز نمی‌تواند بهبود جدی در وضعیت فعالیت‌های ورزشی زنان ایجاد کند. دهکردیان‌نژاد و نوبخت‌رمضانی (۱۳۹۹) توانمندسازی حرفه‌ای مدیران زن در سازمان‌های ورزشی را حاصل برآیند زنجیره‌ای از عوامل زمینه‌ای، ساختاری، فرآیندی و کارکردی دانستند و مشخص کردند که مداخله مثبت در هر یک از عوامل می‌تواند اثر قابل توجهی بر عملکرد مدیران و تعیم عدالت جنسیتی در مدیریت سازمان‌های ورزشی بگذارد. کشکر و قاسمی (۱۳۹۹) نیز در بررسی میزان همخوانی اسناد بالادستی ملی با وظایف و اهداف سازمان‌های ورزشی و رسانه‌های جمعی در زمینه توسعه ورزش بانوان ایران، سیاست‌های کلان مندرج در اسناد بالادستی را با وظایف، اهداف و برنامه‌های سازمان‌های ورزشی همخوان ندانستند. در بخش ورزش قهرمانی بانوان نیز شعبانی، رضوی و هادوی (۱۳۹۸) عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی زنان را در سه سطح دسته‌بندی کردند و دریافتند که بدون توجه به عوامل توسعه مانند حمایت مالی از ورزش، انتظار توسعه پایدار ورزش قهرمانی زنان ناممکن است. میرشکاران،

بحرالعلوم و باقری (۱۳۹۸) نیز عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی زنان ایران را در سه دسته عوامل زیرساختی، فنی-ورزشی و بستر اجتماعی مؤثر دسته‌بندی کردند و توسعه ورزش قهرمانی زنان را نیازمند بهبود وضعیت اجتماعی، زیرساخت‌های اولیه و عوامل فنی دانستند. در ادامه بررسی ادبیات پیشینه به طور ویژه در بحث وضعیت و جایگاه مشارکت ورزشی زنان، مرادی کمره (۱۳۹۸) در طراحی مدل انگیزه مشارکت ورزشی زنان براساس الگوی سه شاخگی، چهار عامل زمینه‌ای، ساختاری، رفتاری و انگیزشی، ابعاد امکانات ورزشی، خدمات ورزشی، بازاریابی ورزشی و رویدادهای ورزشی را به ترتیب اولویت تبیین‌کننده عوامل ساختاری دانستند. مهدی‌زاده، عبدوی و افشاری (۱۳۹۸) نیز در اولویت‌بندی موانع مدیریتی برای زنان در سطوح ارشد مدیریتی ورزش ایران، بالاترین اولویت را مربوط به موانع مدیریتی و پایین‌ترین اولویت را مربوط به موانع فردی دانستند در این بخش موسوی‌راد، فراهانی و بیات (۱۳۹۵) موانع حضور زنان در پست‌های مدیریتی سازمانهای ورزشی را نبود شرایط مساوی بین زنان و مردان برای رشد در سازمان‌ها و فقدان اعتماد به زنان در فرهنگ ایران دانستند. حمیدپور و شتاب پوشهری (۱۳۹۴) نیز رسانه‌های جمعی را در تحقق رسالت خود پیرامون ورزش قهرمانی بانوان فاقد عملکرد مناسب دانستند. در بخش مطالعات خارجی نیز سوانسون، بیلزبری، کنت، اسکینر و مولر^۱ (۲۰۲۰) «نظریه‌های ضمنی رهبری»^۲ را در مدیریت ورزشی زنان و مردان مهم دانستند، زیرا از آنها به عنوان معیاری استفاده می‌شود که در آن مردم تعیین می‌کنند که رهبر چه کسی هست یا نیست. فرسیت، جونز، دول و بامبریدگه^۳ (۲۰۱۹) نیز با بررسی فرصت‌ها و موانعی که زنان برای تحصیل و اشتغال در ورزش با آن روبه‌رو هستند، موانع بیرونی و راهبردهای برابری جنسیتی توهین‌گرایانه را در محدود نمودن موفقیت‌های ورزشی بسیار دخیل دانستند. آلی و بریز^۴ (۲۰۱۸) در بررسی حضور زنان در ورزش ایالت متحده آمریکا، مدیریت ورزشی و رهبری ورزش‌های تیمی، با وجود احساسات مختلفی در این حرفه، به کمبود رهبری زنان در ورزش‌های تیمی اشاره کردند. انوج، فاسوا و آکیلو^۵ (۲۰۱۷) نیز نشان دادند مسئله سقف شیشه‌ای در سطوح بالا و مدیریت متوسط در نهادهای عمومی مشهود است؛ به طوری که نهادهای عمومی نقش مهمی در کاهش سقف شیشه‌ای و کمک به تغییر نگرش، رفتار و ادراک مردم نسبت به زنان دارند.

البته در ایران حضور زنان در رده‌های مدیریت کشورمان چشمگیرتر شده است، اما باوجود اینکه تعداد زنان نیروی کار رو به افزایش است، پیشرفت آنها در مشاغل مدیریتی محسوس نبوده است. این درحالی است که تحقیقات انجام‌شده برای شناخت برتری مردان در مدیریت، وجه تمایزی را برای مدیر بودن انحصاری مردان قائل نیست (جعفری، شریفی‌فر و علم، ۱۳۹۸: ۱۹). زنان سطح دانش، توانایی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه‌ای دارند و می‌توانند در شرایط کنونی که سازمان‌ها با تحولات اساسی در زمینه تغییر سبک رهبری، توسعه ارتباطات و گسترش نوآوری‌ها

^۱ Swanson, Billsberry, Kent, Skinner & Mueller

^۲ Implicit Theories of Leadership

^۳ Forsyth, Jones, Duval & Bambridge

^۴ Aly & Breese

^۵ Enoch-Fosuah & Agyedu

مواجه هستند، زمینه ساز تحول باشند؛ اما متأسفانه آمارها و بررسی‌ها نشان می‌دهند که حضور زنان در تمام عرصه‌ها به‌خصوص مدیریت بسیار کم‌رنگ است و کشور ما در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان از این نظر در وضع بسیار نامساعدی قرار دارد. قابل توجه آنکه در سطح جهانی و مسابقات بین‌المللی تقریباً ۴۷ درصد ورزشکاران شرکت‌کننده در المپیک ۲۰۲۰ توکیو زنان بودند (تعداد زنان شرکت‌کننده: ۵۴۹۴ نفر و تعداد مردان شرکت‌کننده: ۵۹۸۲ نفر) و کمترین شکاف جنسیتی را از نظر شرکت‌کنندگان در میان رویدادهای المپیک که تاکنون میزبانی شده بودند، داشت (کمیت بین‌المللی المپیک، ۲۰۲۱). این درحالی است که براساس گزارش توسعه انسانی برنامه توسعه سازمان ملل (۲۰۲۲)، شاخص نابرابری جنسیتی که منعکس‌کننده نابرابری در موفقیت بین زنان و مردان در سه بعد بهداشت، توانمندسازی و بازار کار است، برای ایران از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ عددی معادل ۰/۴۵ می‌باشد؛ حال آنکه این رقم درمورد کشورهای درحال توسعه ۰/۴۶، در مورد کشورهای کمتر توسعه یافته ۰/۵۵ و در اروپا و آسیای مرکزی عددی معادل ۰/۲۵ است. لذا ممکن است برای خواننده این سؤال پیش آید که به‌راستی چه ضرورتی برای حضور زنان در عرصه‌های رقابتی و به‌ویژه مدیریت در بخش‌های گوناگون جامعه وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال باید اذعان کرد که امروزه توانمندکردن زنان و مشارکت کامل آنان برپایه برابری در همه زمینه‌ها از جمله در فرآیند تصمیم‌گیری و مدیریت جامعه، یکی از پیش‌نیازهای توسعه پایدار است که کشور ما بسیار به آن نیاز دارد. در جوامعی که هنوز تعادل مطلوب و عادلانه‌ای بین مشارکت زن و مرد در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم نشده است و فرصت منصفانه بروز خلاقیت و استعداد انسانی فارغ از جنسیت برقرار نیست، فرآیند توسعه‌آنگونه که انتظار داشته‌اند، موفق نبوده است. تداوم و شتاب توسعه‌هنگامی روی خواهد داد که زن و مرد دوشادوش یکدیگر مسئولیت توسعه را برعهده بگیرند (تاجم‌زبانی و یاسری، ۱۳۹۲: ۷).

البته در بحث ورزش بانوان تحقیقات متعددی صورت گرفته که به شکل و سیاق مختلف موارد و یافته‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند، اما اگر یک بار دیگر مسئله‌ای را که به دفعات بحث شده اما پیشرفتی در نتایج حاصل از برآیند موضوع حاصل نشده را مورد توجه قرار دهیم، چه چیزی را از دست داده‌ایم؟ حل مسائل پیچیده مستلزم آن است که همه ما در مورد چیزهایی که نمی‌دانیم کنجکاو شویم، راه‌های گذشته، فرضیات تاریخ گذشته و روایت‌های آشنا را کنار بگذاریم. همه ما باید بپذیریم که «آنچه را که نمی‌دانیم نمی‌دانیم» و اعتماد کنیم که سایر مسئولان و دلسوزان ورزش زنان می‌توانند با دیدگاه‌ها و بینش‌های جدید، ارزشی برای فرآیند چارچوب‌بندی مجدد ایجاد کنند، نات^۱ (۲۰۰۲) معتقد است که یکی از قدرتمندترین کارهایی که می‌توان در هنگام حل مسائل انجام داد، ایجاد نظرات متعدد برای اطلاع از فرآیند ایده‌پردازی جدید است که نشان می‌دهد درراهبرد کوچک‌نمایی برای پرسیدن از دیگران چه چیزی کم است و می‌تواند راهی قدرتمند برای ارائه یک لنز مردم‌گرا تر به یک مشکل باشد. این رویکرد به ما کمک می‌کند تا فراتر از تمایلات قالب‌بندی سنتی خود نگاه کنیم و با مشکلات قدیمی را به روش‌های جدید ببینیم. همچنین این پتانسیل را دارد که مؤثرتر باشد، زیرا به شکاف صنعتی-آکادمیک در ورزش حرفه‌ای زنان که به‌طور سنتی حول

¹ Nutt

میل صنعت برای کسب درآمد از یافته‌های پژوهشی در یک جدول زمانی کارآمد و علایق دانشگاهی که به کیفیت، دقت و توسعه نظری برای آنها اهمیت می‌دهد، مربوط می‌شود (ودل و دلسبرگ^۱، ۲۰۲۰: ۲). در چالش‌های ورزش زنان به‌ویژه می‌دانیم که تغییر واقعی مستلزم دیدگاه‌های متعددی است و نیاز است از صنعت و دانشگاه، در طیفی از ذینفعان، سنین، پیشینه‌ها و هویت‌ها گرد هم آیند تا یکدیگر را به چالش بکشند و ورزش زنان را به سمت آینده پیش ببرند.

یکی دیگر از موارد کلیدی این است که چه کسی روایت را بیان می‌کند و اینکه آیا در رهبری ورزش امروز از این منظر نگریسته می‌شود که «آیا برای توسعه ورزش زنان و جایگاهشان در ورزش باید خود زنان در برنامه‌ریزی و سازماندهی مسائل مرتبط با خود دخیل باشند یا خیر». پاسخ به سوال مذکور به دلایل مختلف در سازمان‌های ورزشی به خصوص وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون‌ها با تعریف ساختارهای ویژه برای بانوان مانند معاونت ورزش بانوان و نواب روسای فدراسیون‌ها مثبت است، اما تا چه اندازه برنامه‌های تدوین شده و اهداف در نظر گرفته شده در جهت رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش مؤثر است. یکی از دغدغه‌های این پژوهش بود. البته محدودیت‌ها و عواملی که با عنوان موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران مورد تاکید قرار گرفت، در جامعه جهانی نیز به دفعات به عنوان یک مسئله مهم مورد توجه قرار گرفته است؛ به‌طوری که سازمان‌هایی در لهستان، ایتالیا، انگلستان، آلمان، سوئد و هلند در یک پژوهش تیمی اقدام به تهیه کتاب راهنمای بهترین عمل رهبری و تصمیم‌گیری زنان در ورزش نمودند- چراکه رهبری و تصمیم‌گیری از بزرگترین چالش‌های پیش‌روی ورزش در راستای برابری جنسیتی است. علاوه بر این، واقعیت است که فرصت رهبری در عرصه‌های ورزشی برای زنان بسیار محدود و اندک است، این درحالی است که پیشرفت‌های حاصل شده از مشارکت زنان در رقابت‌های ورزشی و کسب عناوین قهرمانی با روند افزایش بسترسازی در استفاده از اعتبارات، امکانات و تجهیزات ورزشی مطابقت ندارد. این مهم نه تنها در ایران بلکه در کشورهای توسعه یافته هم دیده شده است و اگر آلمان را به عنوان یک مثال در نظر بگیریم، طبق اعلام کنفدراسیون ورزش‌های المپیک آلمان، بیش از ۱۰ میلیون دختر و زن عضو باشگاه‌های ورزشی در سطح ملی هستند که تقریباً ۴۰ درصد از اعضای عضو را تشکیل می‌دهد و در ورزش‌های رقابتی، ۴۵ درصد ورزشکاران المپیک آلمان زن هستند. با این حال، تنها ۱۳ درصد از مربیان ملی و ۱۶ درصد از پست‌های رهبری در سازمان‌های ورزشی آلمان توسط زنان اشغال شده است. درحقیقت، اگرچه این اعداد بسیار مطلوب نیستند، اما آمار آلمان در بالاترین سطح طیف برابری قرار دارد. لذا، در این پژوهش سوال اصلی این است که موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران کدام اند؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به دلیل اینکه یکی از اهداف آن کمک به بهبود جایگاه زنان در ورزش است، از نظر هدف کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها به‌صورت میدانی از نوع پیمایشی بود که به صورت آمیخته (کیفی - کمی)

^۱ Wedell-Wedellsborg

ارائه مدل موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران

انجام گرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مدیران و کارکنان وزارت ورزش و جوانان، اساتید و دانشجویان دکتری رشته مدیریت ورزشی، مربیان و داوران بین‌المللی و ورزشکاران حرفه‌ای (عضو تیم ملی، قهرمان مدال آور مسابقات جهانی، آسیایی و بین‌المللی) بود؛ به‌طوری‌که در بخش کیفی تحقیق جامعه کلیه خبرگان و متخصصان آشنا به حوزه ورزش زنان در نظر گرفته شد که شامل اساتید دانشگاه، نائب رئیس فدراسیون‌های ورزشی و مدیران زن شاغل در سازمان‌های ورزشی کشور بودند. البته تعداد جامعه آماری با توجه به پراکندگی و وسعت مشخص نگردید. نمونه‌گیری نیز در بخش کیفی به‌صورت هدفمند انجام شد. پس از مصاحبه با ۱۲ نفر، پاسخ مصاحبه‌ها به اشباع نظری رسید و به منظور دقیق بودن مصاحبه تا ۲۱ نفر ادامه داده شد. روش کیفی انجام پژوهش، تحلیل مضمون بود که با اجرای پنل دلفی در گام اول از مصاحبه‌های انجام‌شده از جمع خبرگان ۸۷ گویه استخراج شد که با بررسی و حذف تشابهات موجود در گام دوم پرسش‌نامه‌ای متشکل از ۸۱ گویه به‌صورت آن لاین در اختیار خبرگان قرار گرفت. در گام سوم ۴۴ گویه اهمیت‌دار استخراج گردید که در نهایت در نرم افزار MAXQDA نسخه ۲۰، هفت عامل (تم) فرعی برنامه‌ریزی و سازماندهی؛ منابع مالی و بازاریابی؛ امکانات و تجهیزات؛ قوانین و مقررات؛ منابع انسانی؛ نظارت و کنترل و اطلاع‌رسانی متشکل از ۴۴ گویه به عنوان موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران شناسایی شدند. در گام دوم تحقیق (کمی) تایید این عوامل در جامعه بزرگتر صورت گرفت که از این رو پرسش‌نامه محقق‌ساخته برای اساتید و دانشجویان رشته مدیریت ورزشی و نایب رئیس فدراسیون‌های ورزشی و هیئت‌های استانی و همچنین معاونین ورزش بانوان ادارات کل استانی و سایر مدیران زن و کارشناسان خبره، داوران و مربیان سطح بین‌المللی و ورزشکاران حرفه‌ای (عضو تیم ملی و یا مقام‌آور در مسابقات جهانی، آسیایی و بین‌المللی) ارسال گردید، در این بخش نیز نمونه‌گیری به صورت در دسترس انجام شد و از آنجا که تعداد جامعه آماری در دسترس نبود، حجم نمونه بر اساس منابع معتبر که به ازای هر سوال ۵ تا ۱۰ نفر توصیه می‌شود، ۳۹۴ محاسبه گردید که در نهایت بعد از یک ماه توزیع پرسش‌نامه محقق‌ساخته به‌صورت آن‌لاین، ۳۹۴ مورد پرسش‌نامه جمع‌آوری شد. در بخش آخر نیز ابزار پرسش‌نامه با روش تحلیل عاملی تاییدی و اکتشافی و معادلات ساختاری، تاثیر ۷ عامل استخراجی از ۴۴ گویه مجدد سنجش شد. در این تحقیق برای سنجش روایی از سه روش روایی محتوایی، صوری و روایی همگرا استفاده گردید که نتایج حاکی از روایی پرسش‌نامه بود و برای پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی استفاده شد که نتایج هر دو روش نیز بیشتر از ۰/۷۰ است که حکایت از پایایی بالای پرسش‌نامه دارد. انجام تحلیل داده‌ها در این بخش و مدل‌سازی ساختاری با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ و نرم‌افزار LISREL نسخه ۸/۸ صورت گرفت.

یافته‌های پژوهش

توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در بخش کیفی

جدول ۱، نشان می‌دهد که ۴۲/۸۶ درصد مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی پژوهش عضو هیئت علمی دانشگاه و ۲۸/۵۷ درصد مشارکت‌کنندگان نیز رئیس یا نایب‌رئیس فدراسیون بوده‌اند، این درحالی است که ۲۳/۸۱

درصد مشارکت کنندگان معاون وزارتی و یا مدیرکل استانی بوده‌اند و تنها یک نفر معادل ۴/۷۶ درصد مربی تیم ملی بوده‌اند.

جدول ۱: توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در بخش کیفی

متغیر	فراوانی	فراوانی نسبی
عضو هیئت علمی دانشگاه	۹	۴۲/۸۶
رئیس / نایب رئیس فدراسیون	۶	۲۸/۵۷
معاون وزارتی / مدیرکل استانی	۵	۲۳/۸۱
مربی تیم ملی	۱	۴/۷۶
دکتری	۱۷	۸۰/۹۵
کارشناسی ارشد	۴	۱۹/۰۵
اجرایی	۸	۳۸/۱۰
دانشگاهی	۸	۳۸/۱۰
دانشگاهی و اجرایی	۵	۲۳/۸۱
مرتبط با تربیت بدنی	۱۹	۹۰/۴۸
نامرتبط با تربیت بدنی	۲	۹/۵۲

توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در بخش کمی

جدول ۲، نشان می‌دهد که ۷۶/۹ درصد زن بودند که وضعیت تاهل را ۳۰/۷ مجرد و ۶۹/۳ درصد متاهل اعلام کرده بودند. سایر اطلاعات در جدول آمده است.

جدول ۲. جنسیت، وضعیت تاهل و سطح تحصیلات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

متغیر	فراوانی	فراوانی نسبی
مرد	۹۱	۲۳/۱
زن	۳۰۳	۷۶/۹
متاهل	۱۲۱	۳۰/۷
مجرد	۲۷۳	۶۹/۳
دیپلم	۲۸	۷/۱
فوق دیپلم	۱۴	۳/۶
لیسانس	۱۱۹	۳۰/۲

ارائه مدل موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران

۴۷/۲	۱۸۶	فوق لیسانس
۱۱/۹	۴۷	دکتری

نتایج به دست آمده در بخش کیفی

بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته و نتایج تحلیل به دست آمده در جدول ۳ موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران در هفت مقوله فرعی و یک مقوله اصلی دسته بندی می شوند.

جدول ۳: کد گذاری گزینشی و نتایج تحلیل مضمون

ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی	گزاره های منطقی (کدهای اولیه)
۱	موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران	کمبود توجه به نقش کلیه ارگان‌ها در امر برنامه ریزی بخش ورزش زنان	کمبود توجه به نقش کلیه ارگان‌ها در امر برنامه ریزی بخش ورزش زنان
۲			کمبود توجه مدیران به نیازمندی های رشد و توسعه ورزش بانوان
۳			کمبود توجه به مسائل آموزشی و تربیت نیروی انسانی ماهر در بخش زنان
۴		برنامه ریزی و سازماندهی	مهاجرت ورزشکاران به دلیل نداشتن امنیت شغلی، مالی و اجتماعی
۵		مقاومت در اعزام دختران و زنان به مسابقات برون مرزی	مقاومت در اعزام دختران و زنان به مسابقات برون مرزی
۶			تجربه کم حضور زنان در رقابت های ملی و بین المللی نسبت به مردان
۷			کمبود توجه به مقوله تیم داری در ورزش بانوان
۸		تفاوت در ارزش گذاری اردوهای ورزشی برای دختران در کشورهای دیگر	کمبود برگزاری اردوهای ورزشی برای دختران در کشورهای دیگر
۹			تفاوت در ارزش گذاری کسب عناوین قهرمانی بین دختران و پسران
۱۰			کمبود حمایت های مالی بخش خصوصی از فعالیت های ورزشی بانوان
۱۱		تفاوت جذاییت ورزشی زنان و مردان عامل مؤثر بر جذب اسپانسر بازاریابی	تفاوت در پاداش ها و تنظیم مبلغ قراردادهای ورزشی ورزشکاران زن و مرد
۱۲			تفاوت جذاییت ورزشی زنان و مردان عامل مؤثر بر جذب اسپانسر بازاریابی
۱۳			بالا بودن هزینه های دریافت خدمات یا خرید کالاهای ورزشی برای خانواده ها
۱۴		کمبود توجه به سهم زنان از بازار ورزشی برای تولید محصولات یا ارائه خدمات ورزشی	کمبود توجه به سهم زنان از بازار ورزشی برای تولید محصولات یا ارائه خدمات ورزشی
۱۵			محدود بودن اعتبارات در بخش ورزش زنان و کمبود توزیع عادلانه منابع

کمبود تکنولوژی و ضعف در سیستم فناوری اطلاعات	۱۶
تخصیص نابرابر امکانات و تجهیزات برای زنان در مقایسه با مردان	۱۷
مانند توزیع نامناسب سانس‌های ورزشی	امکانات و تجهیزات
کمبود امکانات لازم برای غنی‌سازی اوقات فراغت زنان	۱۸
کمبود اماکن و فضاهای ورزشی اختصاصی بانوان	۱۹
قوانین وضع شده درباره حقوق اجتماعی زنان مانند نیاز به اجازه	۲۰
همسر برای خروج از کشور	قوانین و مقررات
برخی قوانین محدودکننده وضع شده در شورای عالی انقلاب فرهنگی کشور	۲۱
مقاومت در اصلاح قوانین و مقررات محدودکننده ورزش بانوان	۲۲
کمبود دعوت نماینده زن در برخی جلسات و کمیسیون‌های تصمیم‌گیری	۲۳
کمبود استفاده از نخبگان ورزشی زن در جایگاه‌های مدیریتی	۲۴
کمبود استفاده از تجربه پیشکسوتان ورزشی و فراموش کردن آنها	۲۵
سهم اندک زنان از پست‌های مدیریتی	۲۶
کمبود توجه به مساله بازنگشتگی ورزشی به‌خصوص در زنان	۲۷
ضعف در دانش و تخصص مدیران و مسئولان حوزه ورزش	۲۸
کمبود نیروی انسانی متخصص و حرفه‌ای در بخش ورزش زنان	منابع انسانی
رویکردهای رهبری و مدیریتی محدودکننده مدیران در مورد ورزش زنان	۲۹
کوته‌بودن عمر مدیریتی در ورزش کشور	۳۰
کمبود توجه به برنامه‌ریزی مبتنی بر نیازسنجی و آمایش سرزمینی در حوزه ورزش	۳۱
کمبود تلاش کافی مدیران ارشد ورزشی در متعاقب ساختن مدیران سیاسی کشور	۳۲
مناسب نبودن شاخص‌های ارزیابی عملکرد در حوزه ورزش بانوان	۳۳
کمبود سیستم مناسب نظارت و کنترل بر اجرای قوانین و مقررات	۳۴
در اجرای برنامه راهبردی ابلاغی	۳۵
سهم اندک زنان و دختران از مشارکت‌های ورزشی (همگانی)	نظارت و کنترل
استفاده از زنان در پست‌های غیر راهبردی	۳۶
محدودبودن ساختار و تشکیلات سازمان‌های ورزشی مرتبط با ورزش زنان	۳۷
	۳۸

ارائه مدل موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران

دولتی بودن ساختار ورزشی کشور	۳۹
کمبود توجه به نقش رسانه‌های گروهی در انتصاب بانوان	۴۰
کمبود توجه به قابلیت نمایش رسانه‌ای فوق‌العاده جذاب در ورزش	۴۱
اطلاع‌رسانی و وجود قوانین و ملاحظات سختگیرانه در پوشش رسانه‌ای ورزش زنان	۴۲
سهم اندک و محدود ورزشکاران دختر و زن از پوشش رسانه‌ای	۴۳
نبود شبکه اطلاع‌رسانی ویژه ورزش بانوان	۴۴

موانع ساختاری رشد و توسعه ورزش زنان در ایران (تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی)

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد مقدار آماره KMO برابر با ۰/۹۱ است که بالاتر از معیار حداقل ۰/۵ است. بنابراین، اندازه نمونه برای تحلیل عاملی کافی است. همچنین، آزمون بارتلت نیز معنی‌دار گزارش گردید ($\chi^2=20107/1$, $p=0/0001$)؛ یعنی، همبستگی بین متغیرها به طور معنی‌داری از صفر متفاوت است.

نتایج تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم با نرم افزار لیزرل در جدول ۴ و شکل ۱ و ۲ نشان داد که مقادیر بارهای عاملی همه آیت‌های مربوط موانع ساختاری بالاتر از ۰/۵ است که نشان‌دهنده این است که همه بارهای عاملی از قدرت تبیین خوبی برخوردار هستند و قدر مطلق مقادیر T بالاتر از ۱/۹۶ می‌باشند که نشان‌دهنده این است که سوالات در سنجش متغیر از اعتبار کافی برخوردارند.

جدول ۴: بارهای عاملی هر آیت برای موانع ساختاری رشد و توسعه ورزش زنان در ایران

کد سوالات	عامل ۱ (برنامه‌ریزی و سازماندهی)	عامل ۲ (منابع مالی)	عامل ۳ (امکانات و تجهیزات)	عامل ۴ (قوانین و مقررات)	عامل ۵ (منابع انسانی)	عامل ۶ (نظارت و کنترل)	عامل ۷ (اطلاع‌رسانی)	مقادیر T
۴۳	۰/۷۸	-	-	-	-	-	-	-
۴۴	۰/۸۶	-	-	-	-	-	-	۱۹/۱
۴۶	۰/۸۴	-	-	-	-	-	-	۱۸/۶
۴۷	۰/۸۷	-	-	-	-	-	-	۱۹/۳
۴۹	۰/۸۶	-	-	-	-	-	-	۱۹/۲
۵۰	۰/۸۰	-	-	-	-	-	-	۱۷/۳

۵۱	-	۰/۸۱	-	-	-	-	-	-	-
۵۲	-	۰/۸۵	-	-	-	-	-	-	۱۹/۸
۵۳	-	۰/۸۸	-	-	-	-	-	-	۲۰/۷
۵۴	-	۰/۷۵	-	-	-	-	-	-	۱۶/۷
۵۶	-	۰/۸۲	-	-	-	-	-	-	۱۸/۷
۵۷	-	۰/۸۶	-	-	-	-	-	-	۲۰/۰۹
۵۹	-	-	-	۰/۸۵	-	-	-	-	-
۶۰	-	-	-	۰/۹۲	-	-	-	-	۲۳/۰۸
۶۱	-	-	-	۰/۷۹	-	-	-	-	۱۸/۸
۶۲	-	-	-	-	-	۰/۸۶	-	-	-
۶۳	-	-	-	-	-	۰/۸۹	-	-	۲۲/۲
۶۴	-	-	-	-	-	۰/۸۵	-	-	۲۲/۹
۶۵	-	-	-	-	-	-	-	۰/۷۹	-
۶۶	-	-	-	-	-	-	-	۰/۹۰	۲۱/۲
۶۸	-	-	-	-	-	-	-	۰/۹۱	۲۱/۵
۷۰	-	-	-	-	-	-	-	۰/۸۸	۲۰/۵
۷۲	-	-	-	-	-	-	-	۰/۸۳	۱۸/۹
۷۳	-	-	-	-	-	-	-	۰/۷۵	۱۶/۵
۷۵	-	-	-	-	-	-	-	۰/۷۸	۱۷/۳
۷۷	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۸۲
۷۸	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۸/۲
۸۰	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۹/۶
۸۲	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۹۱
۸۳	-	-	-	-	-	-	-	-	۲۹/۴
۸۴	-	-	-	-	-	-	-	-	۲۶/۱
۸۶	-	-	-	-	-	-	-	-	۲۶/۳
آلفا	۰/۹۲	۰/۹۱	۰/۸۳	۰/۸۶	۰/۹۲	۰/۸۴	۰/۹۲	-	-

کرونباخ

جدول ۵، شاخص‌های نیکویی برازش RMSEA، مجذور کای اسکوتر NNFI، CFI، JFI، SRMR

را نشان می‌دهد. همانگونه که مشاهده می‌کنید، بیشتر شاخص‌ها قابل قبول هستند و تحلیل عاملی تاییدی از مدل پیشنهادی حمایت می‌کنند. بنابراین، عامل برنامه‌ریزی و سازماندهی (آیتم‌های ۴۳-۴۴-۴۶-۴۷-۴۹-۵۰)؛ عامل منابع مالی و بازاریابی (آیتم‌های ۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۶-۵۷)؛ عامل امکانات و تجهیزات (آیتم‌های ۵۹-۶۰-۶۱)؛ عامل قوانین

ارائه مدل موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران

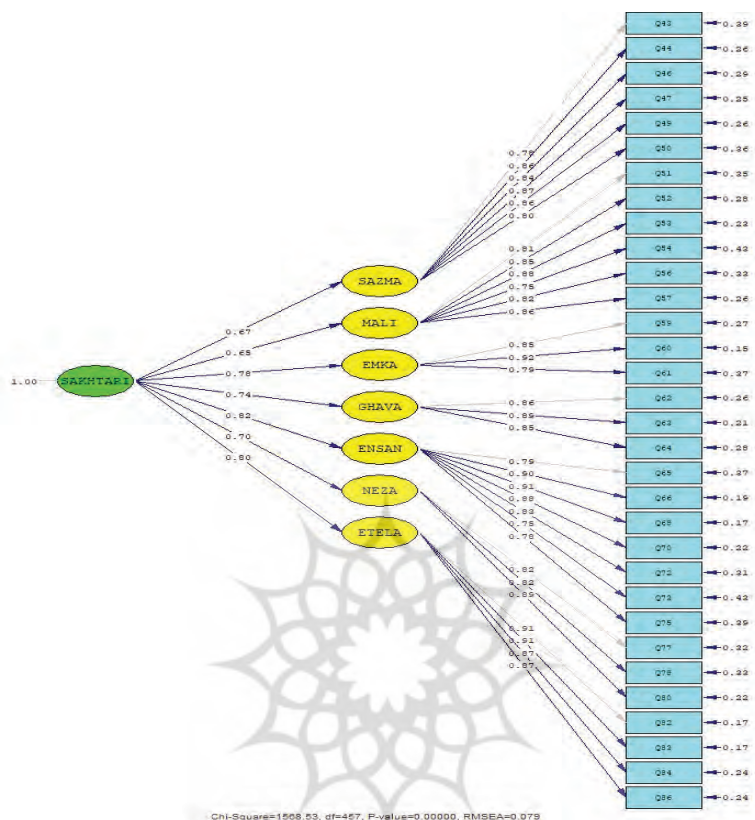
و مقررات (آیتم‌های ۶۲-۶۳-۶۴)؛ عامل منابع انسانی (آیتم‌های ۶۵-۶۶-۶۸-۷۰-۷۲-۷۳-۷۵)؛ عامل نظارت و کنترل (آیتم‌های ۷۷-۷۸-۸۰) و عامل اطلاع‌رسانی (آیتم‌های ۸۲-۸۳-۸۴-۸۶) به عنوان موانع ساختاری رشد و توسعه ورزش زنان در ایران شناسایی شده‌اند.

جدول ۵: شاخص‌های برازش نیکویی برازش

شاخص‌ها	مقدار	مقدار قابل قبول	تفسیر
خی-دو	$p=0/0001$ $\chi^2=1568/5$	معنی‌دار باشد	کمتر از ۰/۰۵ است پس معنی‌دار می-باشد
χ^2/df	۳/۱	مقادیر بین ۱ تا ۳	نسبتاً قابل قبول است
RMSEA	۰/۰۷۹	مقادیر کمتر از ۰/۰۸	قابل قبول است
NFI	۰/۸۹	مقادیر بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵	تقریباً قابل قبول است
NNFI	۰/۹۰	مقادیر بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵	قابل قبول است
CFI	۰/۹۰	مقادیر بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵	قابل قبول است
IFI	۰/۹۰	مقادیر بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵	قابل قبول است
SRMR	۰/۰۵	زیر ۰/۰۸	قابل قبول است

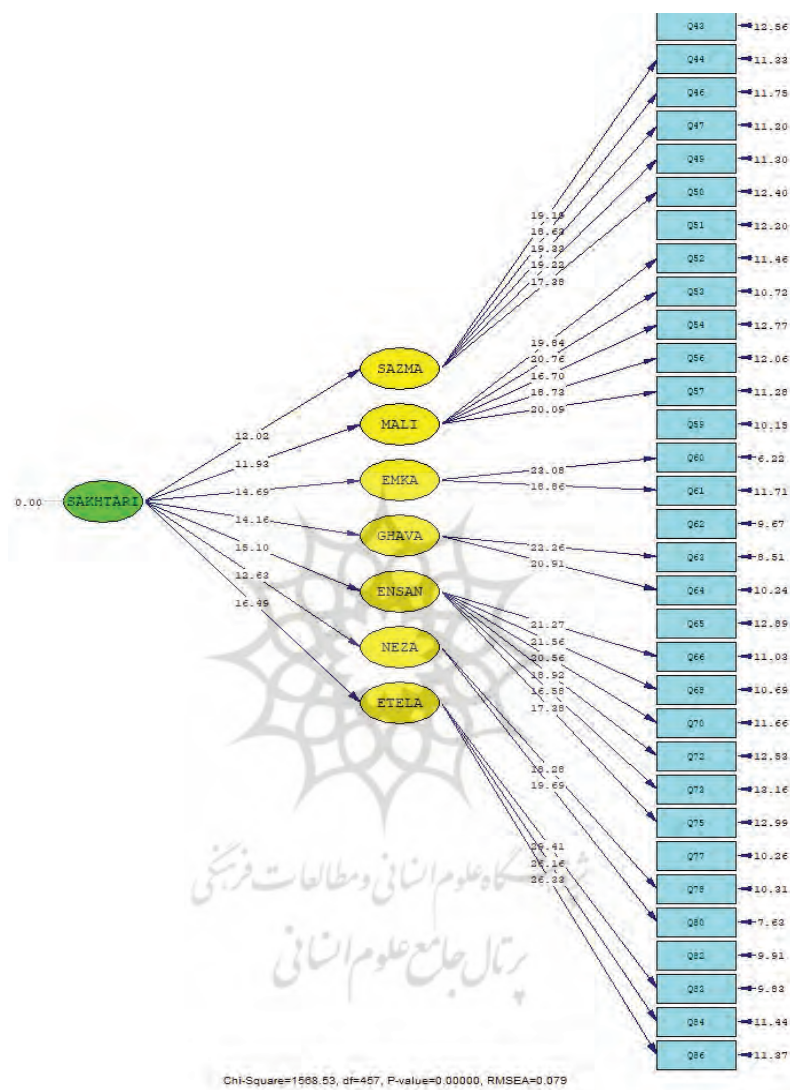
در نهایت، نتایج آلفا کرونباخ در جدول ۴، نشان داد که مقادیر آلفا برای عامل برنامه‌ریزی و سازماندهی برابر با ۰/۹۲، برای عامل منابع مالی و بازاریابی برابر با ۰/۹۱، برای عامل امکانات برابر با ۰/۸۳، برای عامل قوانین برابر با ۰/۸۶؛ برای عامل منابع انسانی برابر با ۰/۹۲، برای عامل کنترل و نظارت برابر با ۰/۸۴، برای عامل اطلاع-رسانی برابر با ۰/۹۲ می‌باشند. همه مقادیر از مقدار ۰/۷ بالاتر هستند. بنابراین، عامل‌ها از همسانی درونی قابل قبولی برخوردار هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱: بارهای عاملی گویه‌ها روی هر عامل در مدل پیشنهادی موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران

ارائه مدل موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران



شکل ۲: مقادیر T -گویه‌ها روی هر عامل در مدل پیشنهادی موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران

بحث و نتیجه گیری

در بسیاری از جوامع حتی جوامع توسعه یافته و مدرن جایگاه اجتماعی زنان به مراتب بالاتر از کشورهای اسلامی است و فرصت های زنان برای مشارکت در رویدادهای بین المللی و جهانی به مراتب کمتر از مردان می باشد (فرزادفر، گنجی و بهرامی، ۱۴۰۰: ۳). زنان ارتباط مستقیمی با زندگی نیمی از افراد جامعه پیدا می کنند و به عنوان گروهی که سهم مهمی در توسعه جامعه دارند، باید از سلامت کامل برخوردار شوند، چراکه سلامت هریک از اعضای جامعه به ویژه زن مستقیماً بر تصویر کلی سلامت خانواده تاثیر می گذارد (فیروزبخت، ریاحی، و تیرگر، ۱۳۹۶: ۴).

در دنیای امروز شاید هیچ رشته ورزشی که زنان در آن همکاری نوزند یا آن که ورزش ویژه ای برای زنان تلقی شوند یافت نگردد، ولی میزان این مشارکت در هر رشته ورزشی و هر کشور تفاوت دارد. فرهنگ یا قانون های بعضی از کشورها (بیشتر کشورهای اسلامی) محدودیت هایی را برای حضور زنان در برخی از رشته ها به همراه دارد که همین موضوع میزان مشارکت و علاقه آنان در بعضی از رشته های ورزشی را تحت شعاع قرار داده است. حتی در بحث مدیریت و رهبری نیز زنان همچنان تا حد زیادی از حوزه تصمیم گیری و رهبری ورزش، از جمله در سطح پایه، به حاشیه رانده شده اند. چالش های ساختاری از طریق چهارهای تبعیض آمیز، ارزش ها و شیوه های نهادی در نحوه «انجام» ورزش، هنوز گزینه ها و فرصت های زنان را محدود می کند. شکاف های ظرفیتی که حاصل این تبعیض و سرمایه گذاری کم هستند موجب می شوند که گاهی زنان کمتر از مردان از آموزش، شبکه ها یا منابع مورد نیاز برای تبدیل شدن به رهبران مؤثر برخوردار شوند (انجمن ورزش و توسعه^۱، ۲۰۲۰). در این پژوهش نیز نتایج نشان داد که هفت عامل برنامه ریزی و سازماندهی، منابع مالی، امکانات و تجهیزات، قوانین و مقررات، منابع انسانی، نظارت و کنترل و عامل رسانه ها و اطلاع رسانی عواملی هستند که به عنوان موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران می باشند و گویای محدودیت های اعمال شده در بخش های مختلف و به اشکال متفاوت می باشند و تاثیر منفی معناداری بر جایگاه زنان در ورزش ایران داشته اند.

در عامل برنامه ریزی و سازماندهی مشخص شد که در ساختارهای موجود، به نیازمندی های رشد و توسعه ورزش بانوان در تمام عرصه های ورزشی مانند مسائل آموزشی و تربیت نیروی انسانی ماهر، مقوله تیم داری، امنیت شغلی، مالی و اجتماعی و... توجه مناسبی نمی شود، با این حال، تعداد فزاینده ای از نمونه های مثبت از آنچه می تواند برای رفع یا غلبه بر این موانع در صورت وجود تعهد انجام داد، وجود دارد، مانند تغییر تعادل جنسیتی موجود در زمان برنامه ریزی، سازماندهی، رهبری و تصمیم گیری در ورزش که بسیار چالش برانگیز است. در واقع، با ایفای نقش رهبری زنان در ورزش، نه تنها مهارت ها افزایش می یابد، بلکه مشارکت سایر زنان و دختران جوان را نیز افزایش می دهد و هراندازه زنان با استعداد که منبعی باورنکردنی برای هر سازمان و هیئت ورزشی هستند، مورد حمایت و

¹sportanddev

ارائه مدل موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران

ارزشگذاری قرار گیرند، موضوع پایداری و فرهنگ و صنعت ورزشی نیز پروتق می‌گردد. البته تغییر محیط کار بر روی چالش‌های ساختاری و تغییرات اساسی در فرآیندها و هنجارهای سازمانی بسیار مورد نیاز به نظر می‌رسد. نتایج این بخش از تحقیقات از آن جهت که مسئله توانمندسازی مدیران زن را در نتیجه توجه مدیران ارشد به تعمیم عدالت جنسیتی در توزیع کرسی‌های تصمیم‌گیری مرتبط دانست و تاکید داشت که ورزش‌های تیمی و رهبری تیم‌های ورزشی بتوان توسط زنان می‌تواند به ارتقای سطح دانش و مهارت و نمو برنامه‌ریزی‌های مبتنی بر نیازسنجی بپردازد، با نتایج دهکردیان‌نژاد و نوبخت رضانی (۱۳۹۹) و آلی و بریز (۲۰۱۸) همسو بود و از آن جهت تفاوت داشت که نواقص اجرای برنامه‌ریزی و سازماندهی در این پژوهش بیشتر مورد تاکید بود و نشان داد که زنان در رأس قدرت برای مشکلات خود تصمیم‌گیر نیستند و این غیبت زنان در سازمان‌ها موجب می‌شود نیازها و اولویت‌بندی مسائل در برنامه‌ریزی و سازماندهی ورزش زنان کمتر در نظر گرفته و یا گاهی موارد کم اهمیت در اولویت اهداف برنامه‌ریزی قرار گیرد. در نتیجه در مواردی که زنان غایب هستند، چگونه می‌توان زنان را تشویق کرد، زمانی که هیچ ظرفیتی برای دعوت یا مشارکت ندارند، این همچنین به این معنی است که چنین کاری توسط مردانی مدیریت و اجرا می‌شود که بدون تجربه مستقیم سعی در حل مشکلات ورزش زنان دارند. آنها همچنین در نتیجه شرطی‌شدن و اجتماعی‌شدن خود دیدگاه‌های متفاوتی خواهند داشت و به احتمال زیاد شدت و تأثیر موانعی را که زنان با آن مواجه می‌شوند دست کم می‌گیرند. همچنین مشخص شد در امر برنامه‌ریزی و سازماندهی توجه مناسبی به بستر سازی جهت امنیت شغلی برای زنان شاغل در سازمان‌های ورزشی از حیث وقفه‌هایی که به دلیل نقش‌های مادری و غیره دارند و به‌خصوص برای مربیان ورزشی زن وجود ندارد. لذا انتظار می‌رود در امر برنامه‌ریزی و سازماندهی به جایگاه اجتماعی زنان و دختران، تیم داری در سطوح پایه و برگزاری مسابقات و اردوهای ورزشی مدون در سطح قابل قبول با رعایت استانداردهای بین‌المللی و دیگر موارد ساختاری توجه مناسبی شود.

در عامل منابع مالی و بازاریابی مشخص گردید که در ایران تفاوت در ارزشگذاری در زمینه کسب عناوین قهرمانی، تأثیر جذابیت ورزشی برتر مردان در جذب حامی مالی، حمایت محدود بخش خصوصی، کمبود توجه به سهم زنان از بازار ورزشی و همین‌طور اعتبارات محدود و عادلانه‌نبودن توزیع منابع بر محدودشدن سیر تحول و رشد و توسعه ورزش زنان مؤثر است و از آنجاکه درآمدهای ورزش‌نخبگان بر سه پایه اصلی حق پخش تلویزیونی، حضور در روز رویداد و حمایت مالی استوار است و حق پخش تلویزیونی بزرگترین منبع درآمد برای صاحبان اصلی رقابت‌های ورزشی محسوب می‌شود، ورزش زنان در تلویزیون باید تعداد زیادی از بینندگان را جذب کند تا درآمد قابل توجهی ایجاد کند. خوشبختانه، جذابیت بازار انبوه ورزش‌های تلویزیونی زنان در رشته‌های مختلف ورزشی در جهان به طور مکرر نشان داده شده است، اگرچه پوشش آن نسبت به ورزش مردان نادر است. البته ارزش جهانی حامیان مالی ورزشی ۴۴/۹ میلیارد دلار در سال می‌باشد که ورزش زنان کسری از این مقدار است (ویلسون^۱، ۲۰۱۹: ۵۹)، اما تماشاگران قوی و روز مسابقه تلویزیون، حامیان مالی بیشتری را تشویق می‌کنند تا ورزش زنان را در نظر بگیرند.

¹ Wilson

نتایج این بخش از تحقیقات از آن جهت با نتایج شعبانی، رضوی و هادوی (۱۳۹۸)، میرشکاران، بحرالعلوم و باقری (۱۳۹۸)، مرادی کمره (۱۳۹۸) و موسوی راد، فراهانی و بیات (۱۳۹۵) همسو بود که تمامی این پژوهش‌ها به بررسی موانع و مشکلات ورزش بانوان پرداخته و نبود حمایت مالی را یکی از عوامل محدودکننده دانسته‌اند؛ اما در این پژوهش توزیع نابرابر یک عامل مهم مداخله‌گر شناخته شده است. لذا پیشنهاد می‌شود کل صنعت ورزش شامل فدراسیون‌ها، لیگ‌ها، تیم‌ها، حامیان مالی و تنظیم‌کننده‌ها بر مبنای پایداری در ایجاد فرصت‌های بیشتر برای ورزش زنان و اثبات ارزش تجاری خود سرمایه‌گذاری کنند، چراکه نوپا بودن بازار ممکن است باعث شود که ورزش زنان ارزش پولی بهتری نسبت به ورزش‌های مردانه داشته باشد و با افزایش علاقه به حمایت مالی، حقوق تیم‌های زنان به‌طور فزاینده‌ای به‌جای انباشته شدن با تیم مردان، به‌صورت جداگانه فروخته شود. این مسئله در جهان نیز مورد توجه است؛ بطوری که انتظار می‌رود تا زمان برگزاری مسابقات بعدی جام جهانی فوتبال زنان در سال ۲۰۲۳، همه تیم‌های زنان حداقل یک قرارداد حمایت مالی متمایز از تیم‌های مردان داشته باشند (رای^۱، ۲۰۲۰).

از دیگر نتایج به‌دست آمده در این پژوهش می‌توان به عامل امکانات و تجهیزات اشاره کرد. این عامل مشخص گردید که عادلانه‌بودن تخصیص و محدودبودن امکانات و تجهیزات در جهت غنی‌سازی اوقات فراغت و همچنین محدودبودن زیرساخت‌های ورزشی و اماکن و فضاهای ورزشی اختصاصی بانوان اثر قابل توجهی بر رشد و توسعه ورزش زنان در ایران و تعمیم عدالت جنسیتی در مشارکت آنها در عرصه‌های ورزشی داشته است. دراین زمینه می‌توان به گزارشی از اسپورت انگلیس اشاره کرد که نشان داد ورزش زنان و دختران عموماً در سطح پایه سرمایه‌گذاری کمتری دریافت می‌کند و با محدودیت‌های بیشتری از جمله عدم دسترسی به تجهیزات، حمل و نقل و مربیگری و امکانات ایمن و دلپذیر روبه‌رو هستند. البته در ایران نیز این مهم مورد تأکید است که جامعه منابع و امکانات بیشتری در اختیار مردان می‌گذارد و گذاشته است و مردان را بیشتر به سمت ورزش و سایر فعالیت‌های اجتماعی سوق می‌دهد (طالب‌پور، نظری‌آزاد و کاشانی، ۱۳۹۸: ۲۴). نتایج این بخش از تحقیقات با یافته‌های شعبانی، رضوی و هادوی (۱۳۹۸)، میرشکاران، بحرالعلوم و باقری (۱۳۹۸)، مرادی کمره (۱۳۹۸) و فرسینته، جندر، دول و بامبریدگه (۲۰۱۹) از این نظر همسو بود که در تمامی پژوهش‌های مذکور به وجود تبعیض و توزیع نابرابر امکانات و تجهیزات بین مردان و زنان ورزشکار اشاره شده است. بنابراین رسیدگی به تبعیض در ورزش می‌تواند با دسترسی بهتر، سرمایه‌گذاری و تغییر هنجارهای اجتماعی-فرهنگی آغاز شود. البته تغییر در محیط ساخته‌شده و ارائه تسهیلات ورزشی برای عموم می‌تواند یکی از رویکردها باشد.

در عامل قوانین و مقررات نیز مشخص گردید قوانین وضع‌شده درباره حقوق اجتماعی زنان و برخی قوانین شورای عالی انقلاب فرهنگی کشور نقش منفی تأثیرگذاری بر رشد و توسعه ورزش زنان در ایران دارد. نتایج این بخش از تحقیقات نیز با یافته‌های اسدی، تجاری و نیک‌آیین (۱۴۰۰) و کشکر و قاسمی (۱۳۹۸) همسو بود. لذا آنچه در حوزه توسعه و حمایت از ورزش زنان در بخش قوانین و مقررات مشاهده می‌شود، نیازمند بازنگری اساسی در

¹ Wray

ارائه مدل موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران

توسعه ضمانت اجرایی این قوانین است. بنابراین راهکار برون رفت از این وضعیت نیازمند بررسی جامع قوانین و مقررات در حوزه ورزش زنان می باشد و اصلاح و بهبود آن به ویژه با توجه به الزامات جدید ملی و بین المللی در حوزه ورزش نیازمند به روزرسانی است. بدیهی است که اصلاح و وضع قوانین جدید بدون وجود ضمانت اجرایی از کارآمدی الزام برخوردار نخواهد بود و اگرچه در قوانین جمهوری اسلامی بسیار بر رعایت حقوق برابر زنان و مردان در همه حوزه ها تاکید شده، اما متأسفانه آنچه در عمل شاهدیم، نابرابری آشکار است.

در عامل منابع انسانی نیز نتایج به دست آمده نشان داد حضور کم رهبران زن در سازمان های کاری مشکل ساز شده است و ضعف در دانش و تخصص مدیران و مسئولان حوزه ورزش و رویکردهای محدودکننده رهبری و مدیریتی آنها در مورد ورزش زنان استفاده از این پتانسیل را تحت شعاع قرار داده است - حتی زمانی که مدیران ارشد با رویکردهای توسعه ای ورزش زنان در جایگاه های تصمیم گیری قرار می گیرند به دلیل کوتاه بودن عمر مدیریتی شان نمی توانند در توسعه زیرساخت های اختصاصی حوزه ورزش بانوان و تیم سازی در سطوح پایه موفق عمل نمایند. نتایج این بخش از تحقیقات با نتایج دهکردیان نژاد و نویخت رضانی (۱۳۹۹)، مهدی زاده، عبدوی و افشاری (۱۳۹۸)، شیرزاد ملاباشی، فراهانی و اسد (۱۳۹۶)، موسوی راد، فراهانی و بیات (۱۳۹۵) و آلی و بریز (۲۰۱۸) از آن جهت شباهت داشت که ضعف در دانش و تخصص و رهبری محدودکننده از مهمترین عوامل مرتبط با منابع انسانی محسوب شده است و با نتایج تحقیقات سوانسون، بیلزبری، کنت، اسکینر و مولر (۲۰۲۰) نیز از آن جهت متفاوت بود که در پژوهش فوق ضمن اشاره به موانع در این بخش به عنوان یک مقوله مهم در رهبری، صرفاً به تاثیر نظریه های رهبری ضمنی بر انتخاب رهبران زن پرداخته است. لذا توجه مستمر به موضوع رهبران زن در محیط های اداری و میدانی رقابتی ورزش توصیه می شود، زیرا این جمعیت همچنان به رشد خود ادامه خواهد داد و در نتیجه مشکلات و چشم اندازهای جدیدی را برای مدیران آینده به همراه خواهد داشت.

در عامل نظارت و کنترل از موانع ساختاری مشخص شده که سیستم نظارت و کنترل بر اجرای قوانین و مقررات و اجرای برنامه راهبردی ابلاغی در ورزش مناسب عمل نمی کند؛ به طوری که موجب شده زنان و دختران در مشارکت های ورزشی (همگانی و قهرمانی) سهم اندکی داشته باشند. نتایج این بخش از تحقیقات با نتایج شعبانی، رضوی و هادوی (۱۳۹۸) و فرستیه، جندر، دول و بامبریدگه (۲۰۱۹) از آن جهت همسو بود که نظارت و کنترل بر سهم بانوان در توزیع اعتبارات فدراسیون ها، هیئت ها و ادارات ورزش و جوانان، به عنوان مؤثرترین عامل مورد توجه قرار گرفت. نتایج پژوهش در این بخش نشان دهنده ناکارآمدی سیستم نظارتی موجود بود و به نظر می رسد این وظیفه کنترل و نظارتی وزارت ورزش و جوانان به خوبی انجام نگرفته است و از دیدگاه مدیران و مسئولان برای توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان، باید بیش از دیگر عوامل ساختاری و مدیریتی، بر هزینه کرد و سهم بانوان در توزیع اعتبارات فدراسیون ها، هیئت ها و ادارات ورزش و جوانان، نظارت و کنترل صورت گیرد. لذا پیشنهاد می شود علاوه بر تصویب و ابلاغ سهم حداقلی بانوان از اعتبارات به فدراسیون ها، هیئت ها و ادارات کل ورزش و جوانان و کلیه

زیرمجموعه‌های آنها، برنامه نظارتی و کنترلی دقیق و عینی در این زمینه ابلاغ و دلسوزانه بر اجرای آن تدابیر لازم اندیشیده شود.

در عامل اطلاع‌رسانی و رسانه‌ها مشخص شد که عواملی چون کمبود توجه به نقش رسانه‌های گروهی در ارتقای سطح فرهنگ گرایش به انتصاب بانوان، وجود قوانین و ملاحظات سختگیرانه در پوشش رسانه‌ای ورزش زنان، کمبود توجه به نقش نمایش رسانه‌ای فوق‌العاده جذاب ورزش در توسعه جایگاه اجتماعی زنان و دختران و نبود شبکه اطلاع‌رسانی ویژه ورزش بانوان نقش منفی تاثیرگذاری بر رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران دارد. نتایج این بخش از تحقیقات با یافته‌های کشر و قاسمی (۱۳۹۸) به دلیل اینکه توجه به اسناد بالادستی و اجرای قوانین و مقررات وضع شده نیازمند نظارت و ارزیابی دقیق و درست است، همسو بود و با نتایج تحقیقات حمیدپور و شتاب بوشهری (۱۳۹۴) به دلیل اینکه به بحث نقش رسانه‌های ورزشی پرداخته و بازنگری در نقش آنان به عنوان ناظرین بر اجرای تعهدات سازمان ورزشی اشاره کرده نا همسو بود. لذا توصیه می‌شود صدا و سیما به سرمایه‌گذاری در ورزش بانوان ادامه دهد، چراکه رویدادهای زنان ممکن است به ویژه برای بخش‌کننده‌های خدمات عمومی در بازارهایی که دیگر قادر به رقابت موفقیت‌آمیز برای حقوق ورزش‌های نخبه مردانه نیستند، جذاب باشد. این بخش می‌تواند مهمترین دغدغه زنان و دختران ما را مرتفع نماید و زمانی موفق عمل خواهد کرد که ما نیروی انسانی و تیم‌های ورزشی شاخص در بخش زنان را حفظ و رشد دهیم زیرا شناسایی فوری برند را فراهم می‌کند و همچنین می‌تواند دسترسی فوری به امکانات را نیز رقم بزند؛ به‌طوری که می‌توانند رقابت‌های موجود را تکرار کنند، مانند دربی‌های محلی و مسابقات منطقه‌ای.

در جمع‌بندی نهایی از نتایج پژوهش فوق، آن چه لازم است در رابطه با ورزش زنان در ساختار مورد توجه قرار گیرد آن است که اگر زنان و دختران ما در عرصه‌های ورزشی خود تصمیم‌گیر و رهبر باشند می‌توانند برای توسعه و پیشرفت خود با انگیزه قدم بردارند. ورزش زنان نه فقط از نظر مالی، بلکه از نظر آنچه که نشان‌دهنده برابری جنسیتی است، دارای ارزش بالقوه بسیار زیادی است و برای اینکه ورزش بانوان به حداکثر پتانسیل خود دست یابد، نیاز به اقدام همه طرف‌های ذینفع می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد درکنار توسعه زیرساخت‌ها و ارائه تسهیلات ویژه، مدیران و مسئولان ارشد یک تحقیق میدانی از سازمان‌های ذیربط در حوزه ورزش انجام دهند و میزان تحقق اهداف تبیین‌شده ابلاغی مراجع بالادستی توسط زنان و مردان را مقایسه و راستی آزمایی نمایند. البته در این بین اعتماد به توانمندی زنان و استفاده از آنان در جایگاه‌های تصمیم‌گیری می‌تواند بخش اعظم تبعیض‌ها را کاهش دهد و به نظرمی رسد بهتر است مدیران، مسئولان و پژوهشگران بحث حمایت‌های مالی و حقوق تلویزیونی زنان و مردان را جدا از هم تعریف کنند تا ورزش زنان به خودی خود ارزشمند شود و در نتیجه سرمایه‌پذیرتر گردد. علاوه بر این، دست-اندرکاران تیم‌های ورزشی زنان و ورزشکاران باید از انعطاف‌پذیری بیشتری در ایجاد حضور دیجیتال و روابط با هواداران داشته باشند و از طریق رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های پخش جریانی، رابطه‌ای یک به یک با طرفداران ایجاد کنند. یکی دیگر از مواردی که می‌تواند مفید باشد، بررسی اهمیت برگزاری رویدادهای مهم در بخش بانوان در

ارائه مدل موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران

بزرگترین استادیوم‌های موجود است، چراکه موجب می‌شود حامیان مالی از فرصت شگفت‌انگیز خود در ورزش بانوان استفاده کنند. البته تغییر زمان می‌برد و ممکن است یک دهه یا حتی یک نسل طول بکشد تا ورزش زنان به پتانسیل کامل خود دست یابد، اما وعده آن برای ارائه ارزش به حامیان مالی، سرمایه‌گذاران، هواداران و خود ورزشکاران و تیم‌ها روز به روز واضح‌تر می‌شود و ما مشتاقانه منتظر جهانی هستیم که در آن ورزش زنان از همه نظر وضعیتی کاملاً برابر با مردان داشته باشد.

منابع

- اسدی، ندا؛ تجاری، فرشاد و نیک‌آیین، زینت. (۱۴۰۰). «بررسی تحلیلی قوانین کشور در حوزه فعالیت‌های ورزشی زنان». نشریه مدیریت ورزشی. ۱۳(۲)، صص ۵۶۵-۵۸۰.
- تاج‌مزیانی، علی‌اکبر و یاسری، زینب. (۱۳۹۲). «بررسی سیاست‌گذاری اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق). (۵۹)، صص ۵۸-۱۵۷.
- جعفری، الهام؛ شریفی‌فر، فریده و علم، شهرام. (۱۳۹۸). «نقش آفرینی زنان در مدیریت ورزش کشور با رویکرد آینده‌پژوهی». مطالعات مدیریت ورزشی، ۱۷-۳۸، ۱۱(۵۸).
- حمیدپور، هاله و شتاب‌بوشهری، سیدناهد. (۱۳۹۴). «نقش رسانه‌های جمعی در توسعه ورزش قهرمانی بانوان از دیدگاه اداره کل ورزش و جوانان استان خوزستان». فصلنامه علمی مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی. ۴۸-۶۰، ۲(۴).
- خسروی زاده، اسفندیار؛ الهی، علیرضا؛ بهرامی، علیرضا؛ حقدادی، عابد و نستوهی، نیام. (۱۳۹۲). «مشکلات مربیان زن: مطالعه‌ای درباره هیئت‌های ورزشی اراک». دوفصلنامه پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. سال ۷ (پیاپی ۱۵)، شماره ۱۳ (۲۹ پیاپی).
- دهکردیان‌نژاد، معصومه؛ نوبخت‌رفضانی، زهرا و محمدیان، فریبا. (۱۳۹۹). «طراحی و تبیین مدل توانمندسازی حرفه‌ای مدیران ورزشی زن». نشریه مطالعات مدیریت ورزشی. doi: 10.22089/smrj.2020.8689.296.
- شیرزاد ملاباشی، شیرین؛ فراهانی، ابوالفضل و اسد، محمدرضا. (۱۳۹۶). «عوامل مؤثر در انتصاب زنان در پست‌های مدیریتی وزارت ورزش و جوانان». مدیریت و توسعه ورزش. ۵۱(۱)، صص ۳۷-۶.
- شعبانی، اکرم؛ رضوی، سیدمحمدحسین و هادوی، فریده. (۱۳۹۸). «تدوین الگوی ساختاری تحلیلی توسعه ورزش قهرمانی زنان». پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. ۹(۱۸)، صص ۵۳-۶۴.
- طالب‌پور، اکبر؛ نظری‌آزاد، معصومه و کاشانی، مجید. (۱۳۹۸). «تحلیل جامعه‌شناختی از نابرابری جنسیتی در ورزش (از منظر زنان ورزشکار قهرمان ملی)». فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه. ۴۰(۱۰)، صص ۳۱۶-۲۸۹.
- فرزادفر، منا؛ گنجی، فرید و بهرامی، شهاب. (۱۴۰۰). «شناختن پیامدهای اجتماعی و فرهنگی موفقیت زنان ورزشکار مسلمان در رویدادهای ورزشی بین‌المللی». مدیریت ورزشی (حرکت). ۱۳(۳)، صص ۷۶۷-۷۸۱.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=578746>
- فیروزبخت، مژگان؛ ریاحی، محمدحسین و تیرگر، آرام. (۱۳۹۶). «بررسی عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی زنان: یک مطالعه مروری در مجلات فارسی». سلامت اجتماعی. ۴(۳)، صص ۱۹۰-۲۰۰.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=303855>
- کشرک، سارا و قاسمی، حمید. (۱۳۹۹). «میزان همخوانی اسناد بالادستی ملی با وظایف و اهداف سازمان‌های ورزشی و رسانه‌های جمعی در زمینه توسعه ورزش بانوان ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۲(۶۲)، صص ۱۱۱-۱۱۰.
- مرادی‌کمر، مهناز. (۱۳۹۸). «مدل سازی عوامل مؤثر بر ایجاد انگیزه مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی». رساله دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران.

- میرشکاران، زهره؛ بحرالعلوم، حسن و باقری، هادی. (۱۳۹۸). «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی زنان ایران». پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. ۹(۱۸)، ۱-۱۴.
- مهدی‌زاده، اکرم؛ عبدوی، فاطمه و افشاری، مصطفی. (۱۳۹۸). «نظریه سقف شیشه‌ای در حوزه ورزش بانوان: مقایسه تطبیقی و ارائه یک مدل کمی». مدیریت منابع انسانی در ورزش. ۱(۵۹)، صص ۷-۴۵.
- موسوی راد، سیده طاهره؛ فراهانی، ابوالفضل و بیات، پریوش. (۱۳۹۵). «اولویت‌بندی موانع مدیریت زنان در ورزش به روش تحلیل سلسله مراتبی». فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۱(۱)، صص ۱۱۱-۱۱۹.
- Alexandru, Arba. (2021). "Number of athletes competing at the Tokyo 2020 Olympics in Japan as of July 2021 by gender". <https://www.statista.com/statistics/1254529/japan-number-athletes-competing-tokyo-2020-olympics-by-gender/#statisticContainer>
- Aly, Ezzeldin R. & Breese, Kathryn. (2018). "The Representation of Women in USA Sports." *Sports Administrative, and Team Sports Leadership*. European Scientific Journal, ESJ, 14(5), 55. <https://doi.org/10.19044/esj.2018.v14n5p55>.
- Enoch, Opanin Gyamfi; & Fosuah, Joyce & Agyedu, Gilbert Osei. (2017). "Causes and Effects of 'Glass Ceiling' for Women in Public Institutions of the Ashanti Region". Ghana. *International Journal of Business and Management*. 5. 257-266.
- Forsyth, Joyce; Jones, J; Duval, Lynne & Bambridge, Alison. (2019). "Opportunities and barriers that females face for study and employment in sport". *Journal of Hospitality, Leisure, Sport & Tourism Education*, 24. pp. 80-89. ISSN 14738376.
- Katsarova, Ivana. (2019). "Gender equality in sport: getting closer every day". European Parliamentary Research Service, <https://library.olympics.com/Default/doc/SYRACUSE/185927/gender-equality-in-sport-getting-closer-every-day-ivana-katsarova>
- Nutt, Paul C. (2002). "Making strategic choices". *J. Manage. Stud.* 39, 67-96.
- Sportanddev, (2020). "Women's leadership and decision making within sport". https://www.sportanddev.org/sites/default/files/downloads/sue_ahandbookofbestpractice.pdf.
- Swanson, Steve; Billsberry, Jon; Kent, Aubrey; Skinner, James & Mueller, Jacqueline. (2020). "Leader prototypicality in sport: The implicit leadership theories of women and men entering sport management careers". *Sport Management Review*, Elsevier, vol. 23(4), pages 640-656.
- Torlak, Nada; Torlak, Petar, (2016). "Position and role of a woman in national social and economic development of Serbia". VL - 13, DO - 10.5937/MegRev1602161T, JO - Megatrend revija
- Thelwell, Richard C; Weston, Neil J V; Greenlees, Iain A; Hutchings, Nicholas V. (2008). "Stressors in elite sport: A coach perspective". *Journal of sport sciences*, 26(9): 905-918.
- Wedell-Wedellsborg, Thomas. (2020). "What's Your Problem? Boston: Harvard Business Review Press". doi: 10.1002/titl.20506.
- Wilson, B. (2019). "Global sports sponsorship 'to hit £35bn' in 2019". BBC, May 2, 2019.
- Wray, I. (2020). "Unbundling rights key to long-term financial success of women's football". Deloitte, accessed November 4.